

به نام خدای مهربان



دانشگاه آزاد مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

دیپلمان نامه کارشناسی ارشد

گروه آموزشی تاریخ - کرایش ایران باستان

پادشاهی زنان در عصر ساسانی با تکیه بر مشروعیت خاندانی

استاد راهنما

دکتر سیروس نصراله زاده

استاد مشاور

دکتر محمد تقی ایمان پور

مخاند

سمیرا بیک مرادی

پاییز ۱۳۸۹

سپاسگزارم از پدر بزرگوار و مهربان مادرم که همواره مشوق و حامی من در تمامی مراحل زندگی بوده‌اند. علاوه بر ایشان مراتب قدردانی خود را از اساتید ارجمند دکتر سیروس نصرالله‌زاده و دکتر محمدتقی ایمان‌پور و هم‌چنین سرکار خانم فاطمه جهان‌پور به پاس صبوری‌های و راهنمایی‌های بی‌دریغشان در ارائه این پژوهش به جای می‌آورم. کمی‌ها و کاستی‌های این اثر صرفاً از اینجانب است و ذکر این نکته لازم که این اثر کلام آخر نیست. این پایان‌نامه را به خانواده‌ام به پاس لطف و صبوری‌هایشان تقدیم می‌کنم.

چکیده:

از آغاز هستی، زن به عنوان یکی از ارکان اصلی حیات، نه تنها نقش مؤثر خود را بر جامعه و جهان اعمال کرده بلکه به دلیل توانایی‌ها و ویژگی‌های خود دارای جایگاه خاص در اجتماع در هر مقطع زمانی بوده است. گاهی در مقام پرستش، گاه پشت چرخ‌های اقتصادی و گاه بر مسند پادشاهی. با به قدرت رسیدن ساسانیان در قرن سوم میلادی، یکی از سلسله‌های بزرگ ایران زمین بنیان نهاد شد. با وجود این که زنان در ایران باستان دارای مقام و منزلتی والا بودند و در برخی مسائل درباری مؤثر واقع می‌شدند اما به دلیل مظاهر شاهانه مانند: تیراندازی، شجاعت، پهلوانی که خاص مردان بود در طول تاریخ ایران باستان کمتر سابقه داشته است که یک زن بر اریکه‌ی پادشاهی ایران تکیه بزند. در عرصه سیاسی همواره این مردان بودند که به عنوان پادشاه عنان حکومت را در دست می‌گرفتند.

در قرن هفتم میلادی در پی حوادث و وقایعی از جمله: تشت و تفرقه بین خاندان‌های اشراف و روحانیون، قدرت گرفتن سرداران، جنگ‌های پی در پی ایران و روم، افزایش یافتن مالیات و ... زمینه‌های آشفتگی و بی‌نظمی سراسر شاهنشاهی ساسانی را در بر گرفته بود. زمانی که آخرین سلطنت بزرگ با مرگ خسرو پرویز به پایان رسید، پسرش قباد دوم (شیرویه) جانشین او شد. این جانشینی به بی‌نظمی و آشوب بیشتر در کشور که به تدریج شکل گرفته بود، دامن زد. قباد دوم در آغاز پادشاهیش، از ترس این که مبادا رقیبی از خاندان ساسان پادشاهی او را تهدید کند، دست به برادرکشی بی‌سابقه‌ای زد.

از آن‌جا که در اندیشه ایران دوره‌ی باستان تنها آن کسی می‌توانست به مقام سلطنت برسد که از نژاد و تخمه‌ی شاهان باشد لذا بعد از مرگ قباد دوم، چون دیگر فرزند پسری از خسرو پرویز باقی نمانده بود دختران او بوران دخت و آزرمی دخت به پادشاهی برداشته شدند. در این پژوهش تلاش بر آن است با استناد به منابع و شواهد تاریخی و با استفاده از شیوه پژوهش‌های تاریخی و مفهوم سلطنت در ایران باستان به بررسی علل روی کار آمدن دو تن از زنان ساسانی، یعنی بوران دخت و آزرمی دخت و جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان در عصر ساسانی بپردازد.

کلید واژه: زنان، ساسانیان، بوران دخت، آزرمی دخت، مشروعیت.

فهرست

مقدمه

۹	
20	فصل نخست: نقش سیاسی زنان پیش از ساسانیان
21	نقش زنان پیش از هخامنشیان، دوره عیلام
۲۶	زن در تعالیم زردشتی
31	نقش سیاسی زنان در دربار هخامنشیان
۳۱	موقعیت زنان هخامنشی بر اساس الواح تخت جمشید
۳۴	ازدواج‌های درباری
۳۸	شمایل‌نگاری زنان هخامنشی
40	زنان هخامنشی و حمله‌ی اسکندر به ایران
41	نقش سیاسی زنان در عصر اشکانیان
۴۱	زنان در دربار اشکانیان
۴۳	ازدواج‌های درباری
45	شمایل‌نگاری زنان اشکانی
۴۸	فصل دوم: جایگاه زنان در عصر ساسانی
50	شخصیت حقوقی زنان
۵۲	ازدواج در عصر ساسانیان
53	پادشاه زن

۵۴	چکر زن
5۵	ایو کین
۵۵	ستوری زن
۵۶	خودسر زن
۵۷	ازدواج با خویشان _ خویدوده
۶۱	طلاق
62	زنان در دربار ساسانیان
۶۷	زنان در نقش برجسته‌های ساسانی
۶۷	اردشیر یکم در نقش برجسته‌ی نقش رجب
۶۸	بهرام دوم در نقش برجسته‌ی نقش رستم
۶۸	بهرام دوم در نقش برجسته‌ی تنگ قندیل
۶۸	بهرام دوم در نقش برجسته‌ی سرمشهد
۶۹	نرسی در نقش برجسته‌ی نقش رستم
70	نقش برجسته‌های طاق‌بستان
۷۰	تصاویر زنان بر روی سکه‌ها و آثار هنری ساسانی
۷۲	پوشش زنان ساسانی
۷۳	جنبش مزدک و زنان
۷۸	فصل سوم: مفهوم مشروعیت در ایران باستان
۸۰	مفهوم مشروعیت در زمان هخامنشیان
۸۳	مفهوم مشروعیت در زمان اشکانیان
۸۶	مفهوم مشروعیت در زمان ساسانیان
۸۷	الهی بودن پادشاهی
۹۰	فرّه ایزدی
۹۳	برتری نژادی و انتساب به شاهان پیشین

۹۶	حمایت روحانیون و بزرگان دربار
۱۰۰	فضایل و توانایی‌های شاه
۱۰۲	فصل چهارم: به سلطنت رسیدن زنان در عصر ساسانی
۱۰۴	ساسان _ بابک _ اردشیر
۱۰۶	از شاپور یکم تا هرمز چهارم
۱۱۰	از هرمز چهارم تا آغاز پادشاهی دو شاهدخت
۱۱۲	بهرام چوبین نخستین سردار شورشی
۱۱۶	خسرو پرویز
۱۱۹	قباد دوم (شیرویه)
۱۲۰	اردشیر سوم
۱۲۲	پادشاهی شهبانوهای ساسانی
۱۲۴	پادشاهی شهبانو بوران
۱۲۸	مدت پادشاهی شهبانو بوران
۱۲۹	سیاست داخلی
۱۳۰	سیاست خارجی
۱۳۱	سکه‌های شهبانو بوران
۱۳۴	پایان پادشاهی شهبانو بوران
۱۳۵	پادشاهی شهبانو آزر می‌دخت
۱۳۸	مدت پادشاهی شهبانو آزر می‌دخت
۱۳۹	سیاست داخلی
۱۳۹	سکه‌های شهبانو آزر می‌دخت
۱۴۰	پایان پادشاهی شهبانو آزر می‌دخت
۱۴۲	نتیجه‌گیری
۱۴۵	کتاب‌نامه

۱۶۰

۱۶۱

جدول

تصاویر

مقدمه

از آغاز هستی، زن به عنوان یکی از ارکان اصلی حیات، نه تنها نقش مؤثر خود را بر جامعه و جهان اعمال کرده بلکه به دلیل توانایی‌ها و ویژگی‌های خود در هر مقطع زمانی در مقامی خاص جای گرفته است. گاهی در مقام پرستش، گاه پشت چرخ‌های اقتصادی و گاه بر مسند پادشاهی. با به قدرت رسیدن ساسانیان در قرن سوم میلادی، یکی از سلسله‌های بزرگ ایران زمین بنیان نهاد شد. در عرصه سیاسی همواره این مردان بودند که به عنوان پادشاه عنان حکومت را در دست می‌گرفتند. زنان نیز به عنوان مادر، خواهر، همسر و دختر به ایفای نقش پرداخته و در کنار مردان تاریخ را ورق می‌زدند و می‌زنند. با وجود این که زنان در ایران باستان دارای مقام و منزلتی والا بودند و در برخی مسائل درباری مؤثر واقع می‌شدند، به دلیل مظاهر شاهانه که خاص مردان بود مانند: تیر اندازی، شجاعت، پهلوانی و ... در طول تاریخ ایران باستان کمتر سابقه داشته است که یک زن بر اریکه‌ی پادشاهی ایران تکیه بزند.

در قرن هفتم میلادی در پی حوادث و وقایعی از جمله: تشت و تفرقه بین خاندان‌های اشراف و روحانیون، قدرت گرفتن سرداران، جنگ‌های پی در پی ایران و روم، افزایش یافتن مالیات و ... زمینه‌های آشفتگی و بی‌نظمی سراسر شاهنشاهی ساسانی را در بر گرفته بود. زمانی که آخرین سلطنت بزرگ به نام خسرو پرویز به پایان رسید، پسرش قباد دوم (شیرویه) جانشین او شد. این جانشینی به بی‌نظمی و آشوبی که به تدریج در شاهنشاهی پیش آمده بود، دامن زد. قباد دوم در آغاز پادشاهی‌اش، از ترس این که مبادا رقیبی از خاندان ساسان پادشاهی او را تهدید کند، دست به برادرکشی بی سابقه‌ای زد.

از آن جا که در اندیشه ایران دوره‌ی باستان تنها آن کسی می‌توانست به مقام سلطنت برسد که از نژاد و تخم‌هی شاهان باشد لذا بعد از مرگ قباد دوم، چون دیگر فرزند پسری از خسرو پرویز باقی نمانده بود دختران او بوران

دخت و آزرمی دخت به پادشاهی برداشته شدند. به نظر می‌رسد که علت به قدرت رسیدن این دو شاهدخت نیز در راستای همان مفهوم سلطنت در دوره باستان باشد که این پژوهش تلاشی در جهت روشن کردن این مسئله می‌باشد که زنان در ایران باستان از چه جایگاهی سیاسی برخوردار بودند؟ چرا و چگونه برای نخستین بار دو تن از زنان ساسانی به سلطنت رسیدند؟

البته تاکنون پژوهش‌های پراکنده‌ای در زمینه پادشاهی بوران‌دخت و آزرمی‌دخت صورت گرفته است اما به چگونگی و علت روی کار آمدن آن‌ها از منظر مشروعیت و مفهوم سلطنت در ایران باستان به طور مستقل کمتر پرداخت شده است. به عنوان مثال در منابع و پژوهش‌های معاصر مربوط به تاریخ شاهنشاهی ساسانی تألیفات و مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون تاریخ این عصر به نگرش درآمده است که در برخی از آن‌ها اشاره‌ای هر چند مختصر به پادشاهی بوران‌دخت و آزرمی‌دخت و وضعیت زنان در ایران باستان شده است. از آثاری که توجه بیشتری به تاریخ سلطنت این دو شهبانو و سکه‌های آن‌ها معطوف داشته‌اند کتاب *تاریخ ایران در زمان ساسانیان*، نوشته‌ی آرتور کریستنسن دانمارکی است که بعد از گذشت تقریباً هفتاد سال هنوز یکی از پژوهش‌های ارزشمند درباره‌ی ساسانیان می‌باشد. وی از همه منابع در دسترس از جمله منابع فارسی میانه، سریانی، عربی، فارسی و منابع دیگر استفاده کرده است. وی در این کتاب به رغم اهمیت خاص آن تنها در کنار بررسی رویدادها و تحولات سیاسی دوران ساسانی به پادشاهی بوران‌دخت و آزرمی‌دخت نیز پرداخته است و پادشاهی این دو شهبانو بخش کوچکی از کتاب او را شامل می‌شود.

کریستن بارتلمه یکی از محققانی می‌باشد که با اثر خود با عنوان *زن در حقوق ساسانی* تألیفی مهم برای بررسی وضعیت حقوقی زنان در عصر ساسانی ارائه داده است. مؤلف در این کتاب به زندگی این دو پادشاه زن ساسانی نیز نظر داشته است.

یوزف ویسهوفر در کتاب *تاریخ ایران باستان از ۵۵۰ قبل از میلاد تا ۶۵۰ میلادی* در لابه لای نوشته‌های ارزشمند خود، در بخش تاریخ ساسانی به بررسی و ارزیابی مقام زن در دربار ساسانیان پرداخته است اما هیچ یک از سه اندیشمند فوق به صورت مستقل به پادشاهی این دو ملکه نپرداخته‌اند.

تورج دریایی آثار متعددی پیرامون سلسله ساسانی به نگارش درآورده است. او در کتاب‌ها و مقاله‌های خود بارها به مفهوم مشروعیت در این دوره یا به سکه‌های ساسانی از جمله سکه‌های بوران دخت و آزرمی دخت پرداخته است که هر چند تا حدودی زندگی این دو شهبانو را نیز در برمی‌گیرد ولی پاسخ‌گوی سئوالات این پژوهش نمی‌باشد.

راضیه عیسی زاده در کتاب *زنان ساسانی از فرمانبری تا فرمانروایی* که شامل بیست و هفت بخش می‌باشد، به بررسی تاریخ زنان ساسانی پرداخته است. در این کتاب با نگاهی گذرا، مسائل مربوط به زنان ساسانی با عناوین مختلف مطرح شده است. یکی از بخش‌های کتاب پادشاهی بوران دخت و آزرمی دخت است که تنها به شرح رویداد پرداخته و نه بررسی علت یا علل آن.

ریچاردنلسون فرای در آثار متعدد خود راجع به تاریخ ایران باستان، که در اظهارات خود دقیق و از تأثیر پندارها بر کار خود جلوگیری کرده، تنها به اشاره کوتاه درباره‌ی این دو شهبانو اکتفا می‌کند، که باز پاسخ‌گوی علل روی کار آمدن دو زن از شاهدخت‌های ساسانی نمی‌باشد.

البته خانم ماریا بروسیوس در کتاب *زنان هخامنشی* که رساله‌ی دکتری وی در دانشگاه اکسفورد می‌باشد به جایگاه زنان در دوره هخامنشی پرداخته‌اند که در آن پیرامون زنان عصر ساسانی سخنی گفته نشده است. ایشان همچنین در کتاب *تاریخ ایران باستان و تمدن درخشان ایرانیان* نیز بخشی را به بررسی جایگاه زنان در ایران باستان اختصاص داده است که باز هم هیچ‌گونه به سئوالات این پژوهش پاسخ نمی‌دهد.

بنفشه حجازی نیز در کتاب *تاریخ زن* به بررسی موقعیت زنان در ایران باستان تا پایان حکومت ساسانی به طور مفصل پرداخته است. علاوه بر این مجموعه مقالاتی درباره‌ی زنان که در کتابی با عنوان *زن و فرهنگ* توسط محمود میرشکرایی و علی‌رضا حسن‌زاده گردآوری شده است. هرچند که این پژوهش‌ها موقعیت زنان در ایران باستان را محور قرار داده‌اند اما به طور مستقل به پادشاهی این دو ملکه و علل این رویداد به طور اختصاصی نپرداخته‌اند. در هر حال وجو پژوهشی مستقل پیرامون دوران پادشاهی بوران دخت و آزرمی دخت و علل روی کار آمدن دو تن از زنان ساسانی انجام چنین کاری مستقل را ضروری می‌نمود و نگارنده تلاش کرده است به طور مستقل به سئوالات فوق پاسخ دهد.

به نظر می‌رسد که در ایران باستان امکان به سلطنت رسیدن زنان نادر بوده و پادشاهی این دو شاهدخت بوران دخت و آزر می‌دخت از وقایع نادر تاریخ ایران می‌باشد. در اواخر عصر ساسانی در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آمده و در پی برادر کشی که توسط قباد رخ داد، از آن جا که دیگر مردی از خاندان شاهی باقی نمانده بود دو دختر خسرو دوم به تخت نشاندند. که در واقع انتخاب این دو زن به عنوان پادشاه نه به عنوان یک سنت جاری، بلکه در مقابل بحث مفهوم سلطنت می‌باشد.

در تحقیق موضوع این رساله با روش مطالعه کتابخانه‌ای، با سعی در بهره‌گیری از تمامی منابع و پژوهش‌های مربوط به دوره مذکور که در مورد موضوع مورد بحث مطلبی داشته‌اند به گردآوری اطلاعات پرداخته شده است. برای انجام این تحقیق و پاسخ به سئوالات طرح شده اطلاعات ارائه شده به چهار فصل تقسیم شده که در فصل نخست: بررسی نقش سیاسی زنان در ایران باستان پیش از ساسانیان. فصل دوم: جایگاه زنان در عصر ساسانی. فصل سوم: مبانی مشروعیت در عصر ساسانی و فصل چهارم: به سلطنت رسیدن زنان در عصر ساسانی.

در فصل نخست به بررسی نقش سیاسی زنان پیش از ساسانیان، یعنی در عصر هخامنشیان و اشکانیان پرداخته شده تا حد و مرز قدرت، نفوذ و اختیارات آن‌ها روشن گردد. از این رو در این فصل نگاهی گذرا بر نقش زنان از هزاره‌های قبل از میلاد شده است.

در فصل دوم که تحت عنوان جایگاه زنان در عصر ساسانی است، موقعیت زنان در جامعه ساسانی حقوق و احکام رایج درباره ایشان و جایگاه و نفوذ زنان در دربار شاهنشاهی، بررسی شده است. زنان عصر ساسانی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به ایفای نقش پرداخته‌اند. آنان در عرصه خانواده و اجتماع از جایگاهی مشخص برخوردار بودند. اسناد و مدارک موجود گویایی مقام و منزلت والای زنان حداقل در دربار شاهنشاهی ساسانی است. در این فصل از منابع پهلوی موجود و پژوهش‌های صورت گرفته در کنار دیگر مآخذ بهره گرفته شده است.

در فصل سوم به بررسی مفهوم مشروعیت در ایران باستان و زمان ساسانیان پرداخته شده است. در اندیشه‌ی ایران باستان، شاهنشاه همچون ادوار گذشته در اساطیر و تاریخ برگزیده‌ی آسمان و نماینده‌ی اهوره‌مزدا در

زمین بود. به عقیده ایرانیان مقام شاهی عطیه‌ی الهی بود که از جانب خدا به شخص شاه داده می‌شد. نشان این برگزیدگی فره ایزدی بود. فره ایزدی به صورت اکتسابی و یا موروثی به شاهان می‌رسید. آنان حتی اگر این مقام را با جنگ به دست می‌آوردند باز هم به دنبال قانونی کردن و مشروع سازی قدرت خود بودند و این مشروع سازی را در قالب کلام و تصویر ابراز می‌کردند.

در فصل چهارم که تحت عنوان به سلطنت رسیدن زنان در عصر ساسانی می‌باشد، سعی شده است علت انتخاب دو زن به عنوان پادشاه و دوران فرمانروایی آن‌ها مورد بحث قرار گیرد. اواخر حکومت ساسانیان اوضاع و احوال ایران بیش از پیش دچار آشوب و ناآرامی شده بود. پدرکشی و برادرکشی، قدرت‌گیری و شورش سرداران، تلاش آن‌ها برای تصاحب تاج و تخت و کشاکش بین درباریان برگ‌های تاریخ شاهنشاهی ساسانی را که رو به ضعف و زوال داشت به سرعت ورق می‌زد. تحولات به وجود آمده در آن برهه‌ی زمانی سبب شد دو شاهدخت ساسانی بوراندخت و آزرمی‌دخت به عنوان شاه در شاهنشاهی ساسانی به تخت سلطنت بنشینند. این فصل پادشاهی بوراندخت و آزرمی‌دخت و تحولات سیاسی آن دوره و همین طور بررسی سکه‌های این دو شهبانو را در بر می‌گیرد

برای انجام این تحقیق و پاسخ به پرسش‌های مطرح شده سعی شده است که از منابع اولیه باقی مانده از این دوره و دوره‌های بعدی شامل منابع غیرنوشتاری و نوشتاری استفاده شده است که در ذیل به معرفی تعدادی از آن‌ها که از اهمیت بیشتری برخوردارند اشاره خواهد شد.

منابع غیرنوشتاری مورد استفاده عبارت اند از: نقوش برجسته، سکه‌ها، بناها و آثار هنری. از جمله منابعی که می‌توانند در کنار منابع کتبی اوضاع عصر ساسانیان را بهتر توصیف کنند نقش برجسته‌ها، مهرها، سکه‌ها و سایر منابع غیرکتبی و هم زمان دوران ساسانی هستند که بر اساس آن‌ها می‌توان اوضاع تاریخی، سیاسی و مذهبی ایران را مورد مطالعه قرار داد.

نقش برجسته‌ها: در ایران شرایط مناسبی برای کندن نقش‌هایی برجسته وجود دارد. از زمان ساسانیان کندن نقش برجسته برای نشان دادن قدرت شاهان اهمیت بسیار می‌یابند. این برجسته کاری‌ها در مکان‌های مقدس نیاکان یا محل پیروزی‌های بزرگ ساسانیان نقش می‌شد و غالباً شاهان را همراه با خویشاوندان و مقامات بلند

پایه نشان می‌دهند. بیش از سی نقش برجسته‌ی بزرگ که بیشتر آن‌ها در استان فارس اند از ایشان برجای مانده است که به آغاز حکومت آن‌ها تعلق دارند اما شاید مهم‌ترین نکته در مفهوم موجود در این نقش برجسته‌ها تلاشی برای نشان دادن قدرت و مشروعیت پادشاه است. در تعدادی از آن‌ها شاه در حالی که در مقابل اهوره مزدا ایستاده و حلقه قدرت را دریافت می‌کند به تصویر کشیده شده‌اند. از سوی دیگر حضور زنان در نقش برجسته‌های این عصر نیز حاکی از اهمیت و توجه به مقام زن در این دوره است.

سکه‌ها: برای پی بردن به توالی وقایع و خط مشی شاهنشاهی ساسانی، سکه‌ها مهم‌ترین ابزار در دسترس هستند. بر روی سکه‌های به دست آمده از دوره ساسانی نام و تصویر شاه نقش شده است. در پشت سکه‌ها معمولاً نام پادشاه با جمله‌ای شعارگونه و نیم‌تنه‌ی شاه با تاج مخصوص حک می‌شد. بر پشت برخی از سکه‌های ساسانی آتشدانی تصویر شده که شعله‌ی آن آشکار است. سکه‌ها به ویژه از جهت تصویرها و نوشته‌های آن منابع بسیار مهم و ارزشمندی برای شناسایی اسامی دقیق شاهان و زمان فرمانروایی آن‌ها است. در این پایان نامه از پژوهش‌هایی که بر روی سکه‌های ساسانی خصوصاً سکه‌های دو ملکه بوران‌دخت و آزر می‌دخت انجام شده بود بهره فراوان برده شد.

مهرها: نوشته‌های کتیبه‌ای مانند کنده کاری که بر کاسه‌های نقره‌ی عهد ساسانی یا سایر اشیاء وجود دارد اطلاعات مهمی به دست می‌دهند، اما مهم‌ترین آن‌ها مهرها یا جای مهرهایی است که ما را از ماهیت نهادهای اواخر عهد ساسانی آگاه می‌کند. مهرهای ساسانی غالباً از سنگ‌های گران بها ساخته شده‌اند. این مهرها دارای نقوش و گاهی نوشته‌اند. این نوشته‌ها شامل نام پدر و گاهی منصب صاحب مهر است. اهمیت مهرها بیشتر از این روست که به کمک آن‌ها می‌توان با عناوین والقباب رسمی دولتی و دینی آشنا شد.

اشیاء هنری: ظروف نقره که به هنر عالی ساسانی تعلق دارند و تولید آن‌ها از مرکز اداره می‌شد. ظروف شیوه‌ی دیگری از تبلیغ شاهنشاهی بوده است. صحنه‌هایی از شکار توسط شاه و یا درباریان یا صحنه‌های دیگری از زندگی روزانه دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که بعد از قرن پنجم میلادی تعداد کتیبه‌ها کمتر شده و بر تعداد ظروف نقره به سرعت افزوده شده است. در این تحقیق از تصاویر نقره‌شده‌ی زنان بر روی ظروف برای شناسایی نقش و همین‌طور پوشش آن‌ها بهره برده شد.

منابع نوشتاری: این دسته از منابع نیز به سه دسته متون فارسی-عربی، متون پهلوی و کتیبه‌ها تقسیم می‌شوند. متون فارسی-عربی: فن تاریخ نویسی در عهد ساسانی تکامل یافت و در دربار شاهان ساسانی دفتر رسمی ثبت وقایع و نگارش سالنامه‌های سلطنتی موجود بود. مجموعه‌های مفصل و مشروحی از تاریخ ایران باستان و سرگذشت قهرمانان و حوادث سلسله‌های کهن در خدای‌نامه‌های عهد ساسانی گردآمده که در دوره‌ی اسلامی مورد استفاده مورخین ایرانی و غیر ایرانی قرار گرفت. اصل این خدای‌نامه‌ها پس از ترجمه به عربی در دوره‌ی اسلامی مفقود شد اما در همان ایام بسیاری از مورخین دوره اسلامی موفق شدند در نوشته‌های تاریخ دوره ساسانی از آن‌ها استفاده کنند که امروز جزء منابع عمده شناخت دوره ساسانی به حساب می‌آیند.

ویسهوفر معتقد است که ارزش کار مورخان عربی در این است که مواد و مصالح زمان ساسانیان را که ممکن بود از بین برود به زبان عربی انتقال داده‌اند. به علاوه این انتقال سه مرحله را طی کرده است: نخست با تجدید نظر و ویرایش به زبان متاخر ساسانی نوشته شده‌اند، سپس به زبان عربی آغاز دوره اسلامی ترجمه و آن‌گاه با برداشت ویژه‌ی اسلامی از تاریخ منطبق شده‌اند. این‌که تا چه اندازه این مطالب دچار تحریف شده، نیاز به پژوهشی ژرف دارد (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۰۲).

نلدکه معتقد است متن پهلوی خودای نامگ که مأخذ عمده تواریخ عربی و فارسی، شامل سرگذشت ایران قبل از اسلام است در آخر عهد ساسانیان و شاید در زمان یزدگرد سوم نوشته شده بود. متأسفانه اصل پهلوی و ترجمه‌ی عربی آن توسط ابن المقفع، در دست نیست. او اضافه می‌کند که برخی از منابع مانند ترجمه تاریخ طبری در بخش ساسانیان دچار نوعی اعمال سلیقه و میل نجبا و روحانیون زرتشتی شده است.

دانشمند روسی بارون روزن Rosen معتقد است که منابعی که حمزه اصفهانی و سایر مورخان عرب در ردیف ابن المقفع قلمداد کرده‌اند، اگرچه احتمالاً همه‌آن‌ها بعد از ابن المقفع نوشته شده است، اما لازم نیست که عموماً و قطعاً مندرجات خود را از کتاب او گرفته باشند. فقط بعضی از مؤلفان مذکور تا اندازه‌ای از ترجمه‌ی آن استفاده کرده‌اند. برخی از مترجمان خودای نامگ، از روی اصل آن نقل کرده، برخی دیگر حوادث و وقایع آن را گلچین و بعضی دیگر نکاتی از دیگر کتب گرفته و شاید قصه‌های نیز «اختراع» و به آن اضافه کرده باشند.

(کریستنسن، ۱۳۸۳: ۳۶) در این بخش تلاش شده است که به معرفی و بررسی تعدادی از این منابع که در رابطه با موضوع مورد بحث پایان نامه از اهمیت بیشتری برخوردارند پرداخته شود.

تاریخ یعقوبی از قدیمی‌ترین تاریخ‌های عمومی و کتابی تاریخی به زبان عربی است. این کتاب در دو جلد، خلاصه‌ای است از تاریخ جهان از آغاز تا اواسط قرن سوم هجری. در این کتاب تاریخی، از قرآن و مأخذ اسلامی و کتب عهدین از جمله اناجیل اربعه، نقل و اقتباس شده است. در کتاب تاریخ یعقوبی سرگذشت پیغمبران از حضرت آدم تا حضرت عیسی آورده شده سپس تاریخچه‌ای از پادشاهان و ملل جهان گفته شده است. او در قسمت پادشاهان فارس و ایران، به فرهنگ و تاریخ ایران پرداخته و درباره نظام کشورداری و دولت ساسانیان، اطلاعات ارزشمندی دارد. تاریخ یعقوبی برای اولین بار به کوشش «هوتسما» از روی نسخه خطی کتابخانه کمبریج در معرفی مؤلف و نقد کتاب، در دو جلد منتشر شد. در تاریخ یعقوبی پادشاهی دو ملکه اقتباس از نوشته‌های طبری است که البته در مورد سال پادشاهی آن دو با هم اختلاف دارند.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی مؤلف مروج الذهب و التنیبه الاشراف در اواخر قرن سوم هجری ظاهراً به سال ۲۸۰ هجری قمری در بغداد دیده به جهان گشود. او ابتدا علاقمند به کلام و بحث‌های کلامی بود ولی شیفتگی او بر تاریخ وی را از ادامه راه در کلام باز داشته و غرق در تاریخ کرد. از میان آثار او فقط مروج الذهب و التنیبه الاشراف در دسترس است و بقیه در طول زمان از بین رفته‌اند. مروج الذهب آخرین اثر مسعودی که حاصل یک عمر جهانگردی و مطالعه عمیق وی در حوزه اندیشه‌ها و رفتار اقوام مختلف می‌باشد، در سال ۳۳۲ هجری قمری توسط مؤلف تألیف گردیده و در سال ۳۳۶ هجری در آن تجدید نظر نموده است. در مروج الذهب تنها به نام و مدت پادشاهی دو دختر خسرو پرویز اشاره شده است.

تاریخ طبری که یکی از مهم‌ترین تاریخ‌های عمومی اسلام و جهان است به واسطه آگاهی‌های علمی و اجتماعی مؤلف، از معتبرترین منابع اسلامی به شمار می‌آید. طبری بدون ذکر مأخذ مطالب خود را گردآوری کرده است. برخی اشارات طبری درباره تاریخ ساسانیان حائز اهمیت است. او از منابع تاریخی دوره ساسانی نظیر خدای نامه‌ها و تاج‌نامه و یا ترجمه عربی آن‌ها استفاده کرده است. به علاوه وی به ضبط نام عناوین سیاسی، دینی و اجتماعی دوره ساسانی نیز پرداخته است. کریستنسن طبری را تابع اسناد رسمی ساسانیان می‌داند و معتقد است

که حکایات سایر متون پهلوی چون آیین نامگ و گاهنامگ در مندرجات مورخانی چون اصفهانی، عوفی، یعقوبی و مسعودی آمده است. تاریخ طبری شامل شرح نسبتاً مفصلی از پادشاهی دو شهبانو ساسانی است. این روایت مبنای نوشته‌های بسیاری دیگر از مورخان قرار گرفته است. طبری بدون آن‌که نگاه یا تفاوت خاصی در قلم وی نسبت به دوران پادشاهی این دو شهبانو دیده شود به شرح پادشاهی این دو مانند سایر شاهان ساسانی می‌پردازد.

در شاهنامه فردوسی از خدای‌نامه‌ها و شاهنامه‌های ابومنصوری و دقیقی و مانند آن و منابع کتبی چون اوستا، زند و متون پهلوی و منابع شفاهی داستانی و اسطوره‌ای استفاده شده است. روزن منبع شاهنامه‌ی فردوسی را نیز همان منابع سایر مورخان عربی می‌داند.

بلعمی بعد از دقت در مطالب طبری، به نقل گفته‌های معتبر اکتفا و به جای مطالب محذوفه نکاتی از منابع دیگر به آن اضافه نموده است. ابن بلخی به طور کلی تابع طبری است. یعقوبی، مسعودی، ثعالبی و فردوسی نیز روایات خود را از خودای نامگ گرفته‌اند.

کتاب فارسنامه ابن بلخی در حدود سال‌های ۵۰۰ تا ۵۱۰ هجری قمری تألیف شده و از کتب سودمند این قرن می‌باشد. این کتاب تاریخ پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان و فتوحات اسلام در فارس به همراه بخش جغرافیای شهرهای فارس را شامل می‌شود.

مجموعه التواریخ و القصص در سال ۵۲۰ هجری تألیف گردیده و نام مؤلف کتاب بر ما مجهول است. سبک نگارش کتاب در بسیاری از موارد قدیمی و همراه با ترکیبات کهن ایرانی و اصطلاحاتی است که بیشتر آن‌ها به صورت اصل خود باقی مانده است. مؤلف کتاب در تنظیم کتاب به نوشته‌های حمزه اصفهانی و طبری و برخی مأخذ معتبر فارسی توجه داشته است.

ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، ادیب و دانشمند، مورخ، جغرافی دان، منجم و از گیاه شناسان بزرگ مشرق زمین. او ایرانی است و در قرن سوم هجری قمری در «دینور» از شهرهای نزدیک کرمانشاه به دنیا آمد. ابوحنیفه با انواع علوم از نحو و لغت، تاریخ، نجوم، ریاضی و گیاه شناسی آشنایی کامل داشت و در این زمین‌ها، کتب فراوانی در موضوعات متنوع تألیف کرد. در این رساله از کتاب اخبار الطوال دینوری استفاده شده است. در این

کتاب خیلی کوتاه به پادشاهی بوراندخت و آزرمی دخت و علت به پادشاهی رسیدن آن دو اشاره شده است اما درباره وقایع پیش از این دو شرح بیشتری را دربر دارد.

منابع پهلوی: در این رساله منابع و مأخذ به فارسی میانه (پهلوی) با خصلت دینی، گرایش اوستایی و حماسی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. آن چه امروزه با عنوان ترجمه‌ها و تفسیرهای پهلوی بر اساس اوستا در دسترس است، منابع ارزشمند و کم‌نظیری برای پی بردن به تاریخ، اساطیر، ادیان، مردم شناسی و جهان بینی ایرانیان باستان به شمار می‌روند. از جمله این متون می‌توان از *کارنامه اردشیر بابکان*، *مینیوی خرد*، *نامه تنسر* به گشنسب، *ماتیگان هزار داتستان*، *ارداویرافنامه*، *روایت پهلوی* نام برد.

کارنامه اردشیر بابکان: این تألیف یکی از آثار منحصر به فرد درباره سرزمین فارس و زندگی اردشیر بابکان مؤسس دودمان ساسانی است. به نظر می‌رسد تدوین این اثر در اواخر دوره ساسانیان بر اساس روایات کهن تری صورت گرفته باشد. مؤلف ناشناخته کتاب در آغاز به شرح کوتاهی درباره حمله اسکندر مقدونی به ایران و فرمانروایی اشکانیان پرداخته و سپس ماجرای افسانه‌ای روی کار آمدن سلسله ساسانی را شرح داده است.

ارداویرافنامه: موضوع این اثر سفر روحانی یکی از پیشوایان دینی زرتشتی به نام ارداویراف به معراج و دیدار بهشت و دوزخ است. ارداویراف در برخی دیگر از متون پهلوی (نظیر نامه های منوچهر و زند و همن یسن) به عنوان وه شاپور به شاپور موبد مشهور دوران خسرو انوشیروان معرفی شده، نامی از مؤلف در کتاب ذکر نشده است. بخش‌هایی از این اثر مربوط به دیدار ارداویراف با زنان در بهشت و دوزخ می‌باشد که در این رساله مورد استفاده قرار گرفت.

مادیان هزار دادستان: مادیان (ماتیگان) به معنای «کتاب رساله» است و دادستان به معنی «فتوا، رأی و قضاوت» آمده است. این کتاب درباره قضایای حقوقی و قوانین مدنی است. محتوای اثر را مطالبی از قبیل ازدواج، طلاق، ارث، قیومت، مالکیت، مسائل مربوط به خرید و فروش و ... تشکیل می‌دهد. گردآورنده کتاب، فرخ مرد وهران (فرخ مرد پسر بهرام) است که اطلاعی از زندگی او در دست نیست. مطالب این تألیف در آثار پژوهشگران و در کتب مختلف آمده است اما متأسفانه خود اثر به صورت یک کتاب کامل که از زبان پهلوی میانه به فارسی برگردانده شده باشد در دست نیست. در این کتاب به قوانین حقوقی مربوط به زنان ساسانی پرداخته شده است.

روایت پهلوی: کتابی به زبان پهلوی ساسانی است که در بردارنده‌ی مطالب گوناگون دینی، آیینی، اجتماعی و اسطوره‌ای است. نام و هویت نویسنده روشن نیست. پاره‌ای از مطالب کتاب از جمله بندی ساده و منطقی برخوردار است و از این نظر می‌توان آن را با کتاب‌هایی مانند بندهشن، مینوی خرد و کارنامه اردشیر بابکان مقایسه کرد. از سوی دیگر برخی از فصل‌ها جمله‌هایی طولانی و دشوار دارند. مطالب مربوط به زنان این کتاب در فصل جایگاه زنان در عصر ساسانی مورد استفاده قرار گرفت.

کتیبه‌ها: کهن‌ترین کتیبه‌های ساسانی متعلق به قرن سوم و چهارم میلادی و به خط پهلوی کتیبه‌ای است. در حالی که جدیدترین این کتیبه‌ها، نظیر کتیبه‌های سلطنتی نخستین شاهان ساسانی غالباً به سه زبان پهلوی ساسانی، پهلوی اشکانی و یونانی است. کتیبه‌های درباری تنها به زبان پهلوی ساسانی است. ویژگی این کتیبه‌ها این است که اطلاعات کمی در مورد هویت فردی که سنگ‌نبشته به یاد او نقر شده است، دارند و گاه آگاهی‌های جالبی درباره تقسیمات اداری و مناصب به دست می‌دهند. مهم‌ترین کتیبه مورد استفاده در این پژوهش کتیبه شاپور یکم بر کعبه زردشت می‌باشد که از عناوین و جایگاه زنان سلطنتی عصر ساسانی نام می‌برد.

فصل تحت

نقش سیاسی زنان پیش از ساسانیان